

نقشه جات

- ۸ - حیوان شناسی - حشرات خشک کرده استخوان
های مخصوصه بعضی حیوانات - نقشه جات
- ۹ - فیزیک - اسبابهای تازه برای تجربیات
- ۱۰ - شیمی شیشه ولوله های شیشه و کائوچو کی .
اپرودت - قیف . چوب بزه و غیره - مواد شیمیائی عمده
مانند جوهر کوکورد و جوهر نمک و قلیا و آمونیاک و
والکل و بنزین و جوهر سقز و کوکورد و جوش شیرین
و تورنسل نمونه فلزات عمده . براده روی و مس و
آهن . جیوه .
- ۱۱ - حفظ الصحه - بعضی نقشه جات

« ۱ . اشرف »

بارجهای مختلف چرم . بشم

- ۴ - سوخت و مواد روشنائی - ذغال چوب .
ذغال سنگ . کوک . بنزین . نفت . روغن چراغ .
تخم کرچک
- ۵ - صنایع مختلفه - نساجی (انواع نخ) دباغی
(پوستهای مختلف و بشم) صباغی (مازو . بلقم .
نیل . روناس و غیره) - شیشه کری (شن ماسه . سود
انواع شیشه) صابون پزی دوسه قسم صابون . قلیا .
دونه)
- ۶ - احجار - احجاریکه در ناحیه یافت میشود و چند
نونه از احجار عمده کلسی و سیلیسی و غیره
- ۷ - گیاه شناسی - نباتات و اجزاء نبات خشک کرده

شورای معلمین

هستند که مربوط بامور اداری مدرسه و بنا بر این
بخصوص راجع بمدير مدرسه می باشند مانند روابط
مدرسه با رؤسای بدی و معارف محل و با مناسبات مدرسه
با فامیلهای اطفال و با مسائلی که راجع بنگاهداری بنای
مدرسه و حفظ الصحه آنست و یا بالاخره مطالبی که
مربوط بانظمامات اساسی و کلی اداره مدرسه می باشد
و بالعکس کلیه مسائلی که مربوط بمطالب تعلیمی
میباشند آنهاست هستند که داخل در دایره اختیار شورای
معلمین هستند . دامنه این مسائل بقدر کافی وسیع است
که بتواند اوقات شوری و حواس اعضا را بخود
مشغول دارد . حل این قبیل مشکلات مذاکرات و
مباحثاتی را مستلزم است که سبب تعلیم و تذکره معلمین
و تکمیل معلومات فنی ایشان میگردد . ترتیب نظامنامه
داخلی مدرسه بر طبق مقررات اساسی نظامنامه که بواسطه
شورای ایدنی تدوین گشته و همچنین توزیع شاگردان
در کلاسهای مختلفه بر حسب سن و درجه معلومات
ایشان بعقیده من از جمله تکالیف و وظائف شوری است
حتی تعیین معلم هر کلاس را نیز میتوان بصواب دید

چندی پیش وزارت معارف امر بتاسیس شورای معلمین
نمود و نظامنامه نیز برای آن ترتیب داد . برای مزید
توضیح و اطلاع و تأیید این اقدام وزارت جلیله بيمناسبت
نیست متحدالمالی که وزیر علوم فرانسه در ژانویه ۱۹۰۸
در همین موضوع انتشار داده وبمعلمین ومديران مدارس
فرستاده از نظر قارئین محترم بگذرانیم
متحدالمالی وزیر علوم فرانسه خطاب بمعلمین مدارس
برای نفع مدرسه مقدم بر هر چیز این است که
توان نتایج و اثمار تجربیات بعضی معلمین را با ذوق و
حسن اشکار برخی دیگر جمع آورد و مختلط نمود
این مقصود ممکن است بسهولت بواسطه شورای معلمین
حاصل شود مشروط بر اینکه هر يك از معلمین از روی
میل و صمیمیت برای انجام این مرام حاضر شوند .
اما مسائلی که پیشنهاد باین شوری میشوند اگر متمتع
نباشد بسیار مشکل است که بتوان تمام آنها را محدود
و معدود نمود . باید منتظر پیش آمد های غیر مترقبه
بود و از میان مطالب و وقایع نیز بتوان بارهرا انتخاب
کرد
از جمله مسائلی را که باید مستثنی ساخت آنهاست

شوری و اگذار کرد : اگر راجع بکفایت و لیاقت و شایستگی هر يك از برای کاری که بایشان تفویض میشود باخود معلمین مشورت گردد مگر نه رعایت انصاف کشته ؟

ولی مخصوصا در مورد این قبیل مسائل که بالطبع دقیقانند رای شورای معلمین قطعی و قابل اجرا نخواهد بود مگر پس از تصویب و اجازه مفتش مدارس ابتدائی نباید از نظر دور کرد که قبل از ملاحظه هر چیز وظیفه ما این است که منافع اطفال را منظور و مراعات داریم چه که این مسئله مقدم بر سایر مسائل است

پس معلوم شد که در جلسات شوری مخصوصا مطالبی که مربوط با اصول تعلیم است باید مورد بحث و مذاکره واقع شود : تقسیم و ترتیب ساعات دروس بکار انداختن پروگرام - انتخاب کتب از روی صورت رسمی ایالتی - دستور و وسائل تعلیم - نگاهداری و جمع آوری کتب برای کتابخانه مدرسه و غیره در این مذاکرات موقع بدست معلمین میآید که خصائل و ذوق تحقیق و شخصیت خود را بمرض جلوه و ظهور آورند و خیالات و خاطره های جدیدی ابراز دارند و تجربیات متمرده خود را بموقع امتحان گذارند .

همین مجالس مایه تولید حس رقابت و همجوشی در مابین معلمین میگردد و خمودت آنهايکه مثل ماشین يك نحو کار میکنند و تسلیم صرف شغل خود میباشد رفع مینماید و از اینکه در تعلیم عقاید و دستور های کهن همیشه مرعی و مجری شوند جلو گیری میکند

این مباحثات هر قدر هم که هر يك از اعضاء برای اثبات و دفاع از عقاید خود اظهارشود و حرارت نماید نباید از صورت مذاکره دوستانه خارج شوند : مقصود از این مذاکرات تعلیم و تعلم و تبادل نظریات و آگاهی یکدیگر است ،

پس نباید بان رسمیت و اهمیت يك مجلس اخذ رای اراداد . این مجامع انس را نباید بمجالس شوری و رای تبدیلی نمود چرا که آنوقت حس مخالفت و ضدیت و دسته بندی و دسیسه سازی نیز داخل آن خواهد شد

و باب نفاق و تقار مفتوح خواهد گشت و نتیجه آن هرج و مرج در اوضاع و حیات مدارس خواهد بود و حال آنکه ما برخلاف داعی و منتظریم که بجانب وفاق و اتفاق طی طریق نماییم

نهایت خوشوقتی من در این خواهد بود که به بینم این شوراهای معلمین جدی مینمایند که تنظیمات و تنسیقات صحیحی در مدرسه برقرار نمایند ، از متحدالمالی که یکی از مفتشین کل ایالتی بمدراس فرستاده این جمله را اخذ می نمایم و عین عبارات و عقاید او را قبول و تکرار میکنم : « در موقع معینه مثلا بعد از هر سه ماه پس از تبادل نظر راجع باوضاع و کیفیات اخلاقی مدرسه شورای معلمین شاگردان خوب و بد را احضار کرده برای اینکه آنها را تنیث و تحسین گویند و اینهارا سرزنش و توبیخ نمایند و براه مستقیم دعوت کنند . هرگاه خطای بزرگی از شاگردی سرزند مدیر مدرسه بفوریت حکم بانعقاد شوری داده و اگر شوری رای بر اخراج موقتی و یا دائمی آن شاگرد دهد مقامات عالی تر بر طبق رای شوری حکم صادر خواهند نمود . بنابراین بغیر از مورد وقایع کم اهمیت یومیه که خود معلم و یا مدیر مدرسه حل و تصفیه مینمایند حکم شاگردان همیشه جمیع معلمین خواهند بود »

اعطای جائزه ها نیز در شوری مقرر میشود : برای اینکه این تاسیس نتایج و آثار خود را همیشه دارا باشد و برای افاده و استفاده از جلسات بایستی بدو موضوعی برای مذاکره داشت و بعلاوه زیاد هم این جلسات انعقاد نیابند :

جلسات مهمه در آغاز و انجام سال تشکیل می یابند شاید در هر سه ماه نیز یکمرتبه افتتاح آن ضروری باشد اما بطور فوق العاده در این بینها و در موقع لزوم جلساتی بنا بر تصمیم مدیر مدرسه ممکن است انعقد شوند . یکتفر منشی باید خلاصه مذاکرات هر جلسه را ثبت و ضبط نماید و هر مطلب و گفتگویی رخ دهد که ممکن باشد مایه سلب انتظام امور مدرسه گردد بحکمیت مفتش مدارس ابتدائی واگذار میشود . مفتش ابتدائی نیز اگر لازم به بیند مسئله را در محضر مفتش کل ایالتی طرح می نماید

تر میگردد و مدبر و معلمین و قتیکه یکدیگر را بهتر شناختند قدر و بهای هم را نیز بیشتر میدانند .
و همچنین مائلی را که برای حل آن در این جلیان دعوت می شوند چون افکار معلمین را ارتقاء داده و قلوب ایشانرا منشرح می سازد و دامنه انظارشانرا توسعه می بخشد بایشان بهتر خواهد فهمانید که این تربیت افراد ملت که آنها کار کنان و مامورین قداکار و محبوب آن هستند چه کار بزرگی است !

یقین قطع از برای من حاصل است که هر گاه با احساسات صداقت و خلوص نیت و وظیفه شناسی که مجبوی و معمول به اکثر اعضاء مدارس و معلمین ماست این اساس طرح گردد و بکار افتد نتایج حسنه بسیار بخشیده معلمین ما را از کنج انزوای سبک و عقاید شخصی و گوشه کلاس خود بیرون خواهد کشید تا آنکه روابط زیاد تری با همکنان خود داشته باشند .
و قتیکه افراد بیشتر با یکدیگر مجانس و محشور شدند افکار و قلوبشان نیز یکدیگر مربوط و نزدیک

مواد پرگرام سال اول

پرگرام را باید مراعات نمود

مقصود ما در این جا تقید طریقه تدریس ابتدائی نیست بلکه این نکته را میخواستیم متذکر شویم که چون معلمین ابتدائی ما فقط وظیفه خود را تدریس حروف الفباء در مدت یکسال میدانند در فکر رفع اشکال تعلیم و تسهیل شرایط پیشرفت آن نیستند در نتیجه چون اطفال مطابق زحمت آنها پیشرفت نمیکنند نیک نوع دماغ سوختگی و کسالت بایشان عارض گشته از شوق تدریس و تعلیم افتاده و اطفال بیچاره را نیز از تحصیل بیزار مینمایند و حال آنکه اگر در حقیقت معلم درس دادن را دوست داشته و علاقه مند به پیشرفت کار میباشد بالطبع راه ها و اسلوب های تازه و آسانی از برای تدریس پیدا کرده و درس را در مقابل اطفال بشکل یک تفریح مطبوعی جلوه میدهد و نتیجه که ازین طریقه مترتب خواهد بود اینست که مغز اطفال هیچوقت خسته و روحشان فرسوده نمیکردد و در همان حال کاری که معلم در مدت یکسال تمام با زحمات بسیار انجام میدهد در عرض چهار یا پنج ماه تمام کرده و مابقی سال را میتواند بچیز های نافع تری که علاوه بر ازدیاد معلومات اطفال هوش و کوش آنها را نیز باز میکند پردازد

کدامند آن چیزهای نافع؟ کتابچه پرگرام را باز نمائیم و ملاحظه کنیم که علاوه بر تحصیلات فارسی چه چیز های دیگری میتوانیم در سال اول با اطفال بیاموزیم

در مدارس ابتدائی ما اغلب معمول نیست که در کلاس ابتدائی یعنی در سال اول مواد مدونه دربر پرگرام را تدریس نمایند کار معلم از اول سال تا آخر سال فقط منحصر باین است که سی و دو حرف الفباء را با اشکال مختلفه آنها با اطفال آموخته و در ضمن قدری هم قرائت و کتابت یاد دهد و شاید تصور هم می کند که تمام وقتش باید به صرف تعلیم این معلومات رسد اینست که غالباً به بلاطاعات پرداخته شاخ و برگهای متعدد از برای حروف پیدا کرده بهیچوجه به خیال تسهیل کار نیفتاده و آنچه را که بزبان سهل و ساده ممکن است با اطفال بیاموزد تدریس بشکل تعلیم می نماید که مابه زحمت و صدمه خود و شاگردانش می گردد مثلاً در بعضی از مدارس مشاهده کرده ام که حرف ب را بدین طریق تدریس میکنند :

ما خوانده ایم حرف ب را صورتش ب شکش ۸ :

ب ب ب و غیره

ب تنها ب اولی کوتاه ب اولی عمودی ب اولی مایل ب اولی نیمگرد ب وسطی ب اخری
و آنرا نه کلام است و هشت کلمه یعنی ۱۷ مثال از برای ۸ شکل ب ذکر می نمایند و اطفال بیچاره مجبورند که تمام آنها را مرتب حفظ نمایند معلوم است یک چنین درسی اقلاده و ز لازم دارد تا در ذهن طفل مرکوز مگردد .